

مطالعه تطبیقی هنر کاشی‌کاری در ایران؛ نمونه موردی: کاشی‌کاری قبل از ورود اسلام و کاشی‌کاری بعد از ورود اسلام

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۱۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۸

کد مقاله: ۳۹۵۳۴

مرضیه بهر آسمانی^۱

چکیده

کشور ایران با تاریخ و تمدن کهن در هنر و صنعت و نیز برخورداری از ذخایر قابل توجه از مواد اولیه از دیر باز به عنوان خاستگاه صنعت کاشی و کاشی‌سازی مطرح بوده است. پژوهش حاضر از نوع توصیفی - تحلیلی - مقایسه‌ای و اهم نتایج پژوهش چنین است: کاشی‌کاری قبل از اسلام غالباً شامل آجرهای لعابدار و صنعت موزائیک‌سازی برای تزیین دیوارهای مختلف است. قبل از اسلام از رنگ‌های متنوع تری استفاده می‌شد. نقوش روی کاشی بیشتر نقوش حیوانی و انسانی است و همچنین کاشی‌کاری غالباً مفاهیم دنیوی و جنبه تجملی و عظمت‌گرایی داشته است. با ظهور اسلام و پیدایش هنر و معماری اسلامی، تزیینات نیز شروع به تحول و هماهنگی با این هنر نوظهور کرد و با ایجاد سبک معماری ایرانی - اسلامی به اوج خود رسید. هنرمندان از آجرکاری به سمت کاشی‌کاری متمایل شدند و بیشتر از تونالیت‌های آبی، لاجوردی و فیروزه‌ای استفاده کردند. در این دوران سبک‌های بسیار متنوع در کاشی‌کاری دیده می‌شود و همچنین استفاده از خط و نوشتار به صورت نقاشی مشجر نقوش و خطوط هندسی و نوشته‌های کوفی مزین و آمیخته با گل و برگ و نقوش گیاهی، ساده‌سازی شده و نمادین است و کاشی به دو منظور آرایش و استحکام مورد استفاده قرار می‌گرفته که بیشتر مفاهیم عرفانی و معنوی را در فضا القا می‌کرده است.

واژگان کلیدی: کاشی‌کاری، مطالعه تطبیقی، پیش از اسلام، پس از اسلام، ایران

یکی از جهانگردان امریکایی می نویسد: همه جهان را گشته ام - کلیساهای بزرگ ملل مسیحی - عبادتگاه‌های بوداییان و مساجد مسلمانان را بازدید کرده‌ام اما هیچ جای دنیا کاشی‌کاری‌هایی به زیبایی آنچه که در اصفهان دیده می‌شوند نیافته‌ام. گوئی هنرمند ایرانی در حال عبادت و پرستش خدا و از روی عشق و ایمان اقدام به ساختن این بناهای هنری بی‌مانند نموده است. طرح‌های گوناگون و رنگارنگ خرده سفال‌هایی که از دل خرابه‌های باستانی کشور کهن ما نظیر تپه سیلک بیرون آمده زبان‌گوایی برای تشریح روح هنر باستانی ایرانی و شاهد صادقی است که اجداد ما از شش هزار سال پیش با هنر دوستی و الفت داشته اند (کوبان، ۱۳۴۵، ۴۹). کاشی‌کاری سخت و پیچیده است اما هنری است که نتایج آن در انواع گوناگون معرق، هفت‌رنگ، معقلی و مقرنس جلوه پیدا می‌کند که پنجمین شیوه اساسی و بنیادین در تزئینات ساختمان محسوب می‌شود، شیوه‌ای که همچنان در رده زیباترین و البته گران‌ترین تزئینات قرار دارد. زیبایی مکان‌های زیادی در ایران مدیون تزئینات کاشی است. کاشی ترکیبی از خاک رس، سنگ و دیگر مصالح که در شش مرحله ساخته، پخته و لعاب داده می‌شود تا جلوه‌گر طرح و نقشی چشم‌نواز باشد. کاشی‌کاری انواع و اقسام مختلفی دارد که هر کدام از آن‌ها زیبایی و جلوه‌گری خاص خود را دارند.

۲- تعریف مفهومی کاشی

کاشی، آجر ساده لعاب دار یا نقاشی شده، به لحاظ لغوی واژه کاشی از نام شهر کاشان اقتباس شده که از اوایل دوران اسلامی به عنوان مرکز صنعت سفال سازی مشهور بود (معین، ۱۳۸۱). در واقع کاشی به قطعه سنگی مصنوعی گفته می‌شود که طول و عرض آن مختلف بوده و ضخامت آن چند میلی‌متر است، و یک روی آن دارای سطحی شیشه‌ای بوده و کاملاً صاف و صیقلی می‌باشد. کاشی محصولات سفالین و سرامیکی است که در ابنیه‌های تاریخی و کاخ‌ها و بناهای مذهبی و عمومی کاربرد و اهمیت ویژه‌ای دارد؛ مانند کاخ‌های شاهان، برج مقبره‌ها، بقعه‌های متبرک و حمام‌ها و غیره. دو خصیصه اصلی کاشی را می‌توان در دو جنبه زیبایی شناسانه و کاربردی آن تماشا کرد. جنبه زیبایی شناسانه کاشی برای تزئینات داخل و خارج بناهای تاریخی و مذهبی و عمومی به کار می‌رفت و جنبه کاربردی آن برای بهداشت و عایق رطوبت به کار می‌رفت (مقدم پور، ۱۳۹۶، ۴).

۳- مواد تشکیل دهنده کاشی

گل، تا اوایل سده هفتم ماده مورد استفاده برای ساخت ظروف‌ها و کاشی‌های گرانها و پرزرق و برق بود. کیفیت گل به آنچه که در دسترس بود و نیز به چگونگی آماده شدن آن بستگی داشت. در این دوره یک ماده دست ساز که به عنوان خمیر سنگ یا خمیر چینی مشهور است معمول گردید و در مصر و سوریه و ایران مورد استفاده قرار گرفت. برطبق دستورالعمل ابوالقاسم ابن ماده از ده قسمت کوارتز در ترکیب با یک قسمت لعاب شیشه و یک قسمت گل سفید مرغوب ساخته می‌شد و تا حد ذوب شدن حرارت می‌دید تا اینکه شیشه شفاف بدست آید. تهیه گل سفید خالص کار دشواری بود که اغلب می‌بایستی از سرزمینی دور آورد می‌شد. ترکیب خمیر سنگ بسیار شبیه ماده‌ای است که غالباً سفالینه لعابدار نامیده می‌شود و به وسیله سفالگران مصر باستان و ایران پیش از اسلام برای ساخت مهره‌ها و در دوران هخامنشیان ۵۳۹-۳۳۰ ق.م. برای آجر لعابدار به کار می‌رفت. لعاب وجه تمایز سفال تزئینی از نوع روزمره (مصرفی) آن است. این سطح شیشه‌ای دو عملکرد تزئینی و کاربردی دارد، مایع درون ظرف بدون لعاب به بیرون تراوش می‌کند. در حالی که ظرف لعابدار نشست ناپذیر است. کاشی‌های لعابدار نه تنها باعث غنای سطح معماری مزین به کاشی شده، بلکه برای عناصر دیواری‌های ساختمان حفاظی فراهم می‌کنند (کیانی، ۱۳۹۵، ۶۵).

۴- انواع کاشی‌کاری ایرانی

۴-۱- ساده‌سازی یا کاشی یک رنگ

در ساده‌سازی از کاشی‌های کوچک ۵*۵ سانتیمتر استفاده می‌شود. این کاشی‌ها روی لوزی‌های مختلف قرار می‌گیرد و بقیه بنا یا آجری و یا گچی است. در سفرنامه ابن بطوطه به هنگام مسافرتش به مشهد می‌خوانیم: در مشهد امام رضا قبه بزرگی دارد. قبر امام در داخل زاویه است که مدرسه و مسجدی در کنار آن وجود دارد و این عمارت‌ها با سبکی زیبا و ملیح ساخته شده و دیوارهای آن از کاشی است (ابن بطوطه، ۴۴۱). با این ترتیب به نظر می‌رسد که استادکاران ایرانی در عهد اسلامی در پوشش بناها از کاشی‌های یک رنگ اولیه استفاده کرده و برای آغاز رنگ فیروزه ایی را که رنگ آرام بخشی است بر سایر رنگ‌ها ترجیح دادند.

۴-۲- خفته راسته

در این سبک از کاشی ۱۵*۱۵ سانتیمتر استفاده می‌شود و چون کاشی‌ها بصورت بعلاوه عمودی و افقی قرار می‌گیرد بنام خفته راسته معروف شده است؛ از این نوع کاشی‌کاری بیشتر در ساختمان مناره‌ها استفاده می‌شود؛ بطوری که تا قرن اخیر تقریباً سبک منحصر ساختن مناره‌ها همین خفته راسته بوده است (ماهرالنقش، ۱۳۸۳).

۴-۳- کاشی مشبک

کاشی مشبک یکی از زیرشاخه‌های کاشی‌کاری برای تزئین مساجد اسلامی به شمار می‌رود. مطالعات تاریخی همچنین نشان داده‌اند که استفاده از هنر کاشی مشبک برای ساختمان برخی حمام‌های تاریخی یا مدارس در قدیم هم به کار می‌رفته است. در هر صورت، کاشی‌کاری مشبک جنبه تزئینی داشته و با رنگ‌های مختلف آراسته می‌شده است (ماهرالنقش، ۱۳۸۳).

۴-۴- گره‌سازی

گره‌چینی یکی از شاخه‌های هنر معماری و کاشی‌کاری سنتی است که اساتید این هنر از کنار هم چیدن آلات و لغات مختلف بر اساس طرح مدنظر خود با استفاده از کاشی، آجر یا سایر مواد نقش‌های هندسی تزئینی درست می‌کنند. در گره‌سازی از اشکال مثلث و کثیرالاضلاع استفاده می‌شود و چون خطوط یکدیگر را تلاقی میکنند در مرکز تلاقی شکل گره ایجاد می‌شود.

۴-۵- کاشی هشت‌پر ستاره‌ای و چلیپا

ستاره هشت پر جمله نقوشی است که روی سنگ نبشته‌های قرون پنجم و ششم به وفور دیده می‌شود که بعدها در هنر اسلامی به گل روز معروف شد. ستاره هشت پر به نوعی تکامل یافته نقش دایره و بعدها چلیپا و ستاره است و نماد خورشید در ادوار مکانی و زمانی مختلف در هنر به شکل‌های متفاوتی آفریده شده است که هر کدام دارای معانی گوناگونی هستند. شکل ستاره هشت پر از چرخش دو مربع درهم پدید آمده و از دیر باز عدد هشت، عدد رمزی خورشید در سراسر اروپا، آسیا و آفریقا محسوب می‌شده است، به طوری که در اسلام در صور متفاوت بیان شده است (حسینی، ۱۳۹۲، ۳۴). هشت‌بهشت، هشت درب بهشت، که در عرفان درب هشتم، در توبه و در همیشه باز محسوب می‌شود (امامی، ۱۳۸۱، ۶۳).

۴-۶- معرق سازی یا کاشی معرق

معرق سازی یا نازک سازی همان سبکی است که اروپاییان آنرا بگلط موزاییک ترجمه کرده‌اند. در این سبک گل و بوته‌ها را به اندازه‌های معین تقسیم می‌کنند و تقسیمات کوچک را با تیشه از روی کاشی‌های بزرگ جدا می‌نمایند بعد بریده‌ها را جلوی یکدیگر چیده پشت آن را ملات می‌ریزند و قطعات بزرگتر را در بنا نصب می‌کنند (ماهرالنقش، ۱۳۸۳).

۴-۷- تابلوسازی

تابلو سازی از دور تا اندازه‌های نظیر معرق سازی بنظر می‌رسد ولی بین این دو سبک تفاوت فراوانی وجود دارد. در تابلوسازی نقش‌های گل و بوته را روی کاشی‌های چهار گوش کپی می‌کنند و پس از اینکه آنرا لعاب می‌دهند عیناً در بنا نصب می‌نمایند، بدین ترتیب در این سبک فقط بوجود یک نقاش احتیاج است. در حالی که همان طور که ذکر شد در معرق سازی ترکیب شاخ و برگ و بوته‌ها از کاشی‌های ریز و مختلف می‌باشد به هرحال به علت سهولت کار امروز بیشتر از تابلوسازی استفاده می‌شود (ماهرالنقش، ۱۳۸۳).

۴-۸- توأم سازی

یک نوع کاشی مخلوط است که با در نظر گرفتن شرایط و نکات خاصی سبک‌های مختلف استفاده می‌شود و ترکیب بدیعی بوجود می‌آورد. گنبد مساجد دوره صفوی در اصفهان که نمونه‌های منحصر به فرد هنر و صنعت کاشی‌کاری می‌باشد به این سبک درست شده است (ماهرالنقش، ۱۳۸۳).

۴-۹- کاشی معقلی

دارای طرح‌های هندسی است و از تلفیق اشکال هندسی ساخته می‌شود. هنر کاشی‌کاری معقلی را می‌توان مکمل کارها و تزئیناتی دانست که در انواع نما سازی‌ها و پوشش‌های خارجی و داخلی به کار گرفته می‌شود (زمرشیدی، ۱۳۸۴، ۵).

۴-۱۰- کاشی زرین فام

لعاب زرین فام یا دو آتسه، رایج ترین و معروف ترین تکنیک در تزیینات کاشی بود. مراحل کار به این شرح بوده که پس از به کارگیری لعاب سفید بر روی بدنه کاشی و پخت آن، کاشی با رنگدانه‌های حاوی مس و نقره رنگ آمیزی می‌شده و مجدداً در کوره حرارت می‌دیده و در نهایت به صورت شیء درخشان فلزگونه‌ای در می‌آمده است. این نوع از کاشی‌ها به ساختمان‌های غیر مذهبی تعلق داشته‌اند (ماهرالنقش، ۱۳۸۳).

۴-۱۱- کاشی خشتی (هفت‌رنگ)

سبکی از کاشی‌کاری است که در آن از کاشی‌هایی با شکل و ابعاد منتظم بنا بر سلیقه استادکار و ویژگی‌های محل اجرای اثر و اصولاً به شکل‌های مربع، مستطیل، شش ضلعی یا اشکال دیگر و در اندازه‌های متداول ۱۵×۱۵ و ۲۰×۲۰ سانتیمتر و برای مناره و گنبد در ابعاد ۷/۵×۱۵ یا ۱۰×۲۰ سانتیمتر به صورت خشت با رنگ زمینه غالباً سفید تهیه شده، در کنار هم چیده و طرح یا خط مورد نظر بر روی کاغذ به وسیله سمبه سوراخ شده، سپس طرح اولیه به کمک گرده زغال بر روی کاشی کپی می‌شود و پس از آن به وسیله اکسید منگنز، قلم‌گیری شده و بعد با رنگ‌های مختلف اما پایه حرارتی پایین‌تر از رنگ اول کاشی رنگ آمیزی می‌گردد و دوباره به کوره رفته و آماده نصب می‌شود. هفت‌رنگ اصلی و متداول جهت رنگ آمیزی این آثار عبارتند از سیاه، سفید، لاجوردی، فیروزه‌ای، قرمز، زرد وحنایی که امروزه از سایر رنگ‌ها مثل طلائی، سبز و ... نیز استفاده می‌شود. سرعت اجرای کاشی‌کاری به سبک هفت‌رنگ نسبت به سبک معرق بیشتر است. از این نوع کاشی‌ها در اماکن متبرکه و تاریخی استفاده شده‌است (ماهرالنقش، ۱۳۸۳).

جدول ۱- نمونه‌هایی از انواع کاشی‌کاری ایرانی

ردیف	۱	۲
		
	نمونه‌هایی از کاشی یکرنگ در مسجد ملک زوزون در خراسان	نمونه‌ای از کاشیکاری خفته راسته طاق
ردیف	۳	۴
		
	نمونه‌ای از کاشیکاری مشبک	کاشی‌کاری به سبک هفت‌رنگ
ردیف	۵	۶
		
	ستاره هشت پر حرم امام رضا	کاشی‌کاری به سبک گره معرق در سطح زیرین گنبد آرامگاه حافظا
ردیف	۷	۸
		
	از تزیینات کاشی معقلی کاشان شازده ابراهیم دوره قاجار	نمونه‌ای از زرین فام در کاشیکاری گنبد سلطانیه

۵- تاریخچه هنر کاشی و کاشی کاری در ایران

۵-۱- سیر هنر کاشی کاری قبل از اسلام

کاشی یکی از نمادهای مهم و از عناصر برجسته تزئینی در معماری ایران زمین است. تاریخچه تولید کاشی در ایران به هزاران سال قبل مربوط می‌شود که سرمنشا آن، سفالگری است که نخستین آثار این هنر در ایران به حدود ۱۰ هزارسال قبل از میلاد می‌رسد که به صورت گل نیخته بوده که آثار اولین کوره‌های پخت سفال به حدود ۶۰۰۰ سال قبل از میلاد برمی‌گردد. کاشی‌های اولیه به طور زمخت شکل داده شده و استقامت کاشی‌های امروزی را دارا نبودند، مصالح کاشی‌ها از کف رودخانه‌ها استخراج و در بلوک‌های ساختمانی فرم داده شده و درآفتاب خشک می‌شدند، کاشی‌های اولیه خام بوده اند ولی حتی در ۶۰۰۰ سال قبل مردم با استفاده از رنگ زدن و کنده کاری ظریف روی کاشی‌ها از آنها برای تزئین استفاده می‌کردند. پیشینه هنر کاربردی کاشی کاری برای استحکام و زینت‌بخشی اماکن و ساختمان‌ها به اواخر هزاره دوم پیش از میلاد می‌رسد و هنرمندان ایرانی با ساخت خشت و آجرهای لعاب‌دار از آن زمان آشنا بوده‌اند. آجرهای لعاب‌دار به رنگ‌های سبز، زرد، قهوه‌ای با نقوش انسانی و حیوانی به عنوان کاشی مورد استفاده قرار گرفتند. هنر کاشیکاری به نوعی تداوم و تکامل هنر سفالگری و دارای قرابت خاصی با آن و همچنین با تکنیک ساخت و پخت آجر است. به نظر می‌رسد، اولین بار کاشی در بین‌النهرین ساخته و بکار برده شده است. در ایران اولین مدارک از استفاده کاشی مربوط به شوش و معبد چغازنبیل است (۱۲۵۰ ق.م). در معبد چغازنبیل سطح دیوارها با گل میخ‌های آجری لعاب‌دار تزئین شده بود. همچنین در شوش کاشی‌های لعاب‌دار به رنگ‌های سبز و زرد به دست آمده است که نام شوتروک - ناهوتنه (پیرامون ۱۲۱۷-۱۲۰۷ ق.م) را در برداشتند. این شواهد نشان می‌دهد که در نیمه دوم هزاره دوم ق.م پیشرفت عمده‌ای در ساخت آجرهای لعاب‌دار و تزئین بنا با آن به وجود آمده بود. در شمال غرب ایران و محوطه باستانی حسنلو (قرن ۹ ق.م)، گل میخ‌های لعاب‌دار (کاشی دیواری) چهارگوشی کشف گردید است. از این مکان همچنین کاشی‌هایی با نقوش نیلوفرهای آبی و مشبک و نقوش نخل خرما کشف شده است (پرادا، ۱۳۵۸، ۱۵۹ و ۱۶۲). از عصر آهن (۸۰۰-۵۵۰ ق.م) آجرهای لعاب‌دار و منقوش بسیار زیبا در محوطه‌های قلاچی بوکان، تپه ربط سردشت کشف گردیده است (کیانی، ۱۳۶۲، ۴).



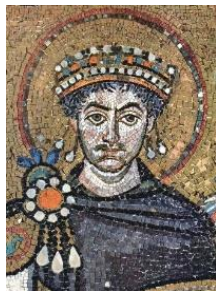
شکل ۱- قطعه آجر لعاب‌دار باقی مانده از معبد چغازنبیل شوش، خوزستان ایران

در دوره اشکانیان صنعت لعاب دهی پیشرفت قابل ملاحظه‌ای کرد. بخصوص استفاده از لعاب یک رنگ برای پوشش جدار داخلی و سطح خارجی ظروف سفالین معمول گردید و همچنین لایه‌ای از لعاب بر روی تابوت‌های دفن اجساد کشیده می‌شده است. در این دوره به تدریج استفاده از لعاب‌هایی به رنگ‌های سبز روشن و آبی فیروزه‌ای رونق پیدا کرد. بنا به اعتقاد عده‌ای از محققان، صنعت لعاب‌سازی در زمان اشکانیان در نتیجه ارتباط تجاری و سیاسی بین ایران و چین است که سفالگران چین در زمان سلسله هان، از فنون لعاب دهی رایج در ایران برای پوشش ظروف سفالین استفاده می‌کرده اند. نمونه‌های متعددی از کاشی‌های لعاب‌دار گاه با لعابی به ضخامت یک سانتیمتر در کاوش‌های فیروزآباد و بیشاپور کشف شده است. با وجود توسعه فن لعاب دهی در دوره اشکانی، هنرمندان استفاده چندانی از لعاب برای پوشش خشت و آجر نکرده و نقاشی دیواری را برای تزئین بناها ترجیح داده اند که دیوار نگاره‌های کاخ آشور و کوه خواجه سیستان، از اهمیت و رونق نقاشی دیواری در این دوره یادآور می‌شود، همچنین طرح‌های تزئینی این دوره از نقش‌های گل و گیاه، نخل‌های کوچک، برگ‌های شبیه گل لوتوس و تزئینات انسانی و حیوانی است، که این طرح‌ها در آرایش دو بنای یاد شده نیز به کار رفته است. نمونه‌ای از آجر لعاب دار در دروازه ایشتر بابل وجود دارد که شباهت زیادی با کاشی کاری هخامنشیان دارد (کیانی، ۱۳۶۲، ۱۱).

۱- در زمان پارتیان و ساسانیان بابل یکی از استان‌های امپراتوری ایران بود. مردم آن دارای فرهنگ و زبان خود بوده و به زبان آرامی صحبت می‌کردند.



شکل ۲- آجرهای لعابدار رژه شیران ورودی دروازه ایشتر بابل، محل نگهداری موزه لوور پاریس



شکل ۴- کاشیکاری چهره یوستی نیانوس یکم، امپراتور روم و معاصر خسرو انوشیروان، شاهنشاه ساسانی را نشان می‌دهد



شکل ۳- یک قطعه از موزاییک حیاط که در موزه بیشاپور نگهداری می‌شود

۵-۲- سیر هنر کاشی‌کاری بعد از اسلام

آغاز استفاده و بهره‌گیری از کاشی در معماری عهد اسلامی به درستی روشن نیست. بررسی‌ها و کاوش‌های محوطه‌ها و شهرهای اسلامی حکایت از آن دارد که از اواخر قرن چهارم هجری هنرمندان با ساخت کاشی و نحوه لعابدهی آن آشنا بوده‌اند. همچنین در بعضی منابع تاریخی و ادبی می‌خوانیم که استفاده از کاشی در آرایش بناها در اوایل اسلام مرسوم و متداول بوده است ... در کاوش‌های جرجان و در یک بنای مذهبی متعلق به قرن چهارم و پنجم هجری صدها قطعه آجر تراش‌دار به دست آمد که دارای لعاب فیروزه‌ای بود. همچنین در بین کاشی‌های مکشوفه تعدادی کاشی کتیبه‌ای با نوشته کوفی شامل سوره‌های قرآن، به رنگ فیروزه‌ای مشاهده شد (کیانی، ۱۳۶۶، ۳۴۳). از اولین نمونه‌های کاشی‌کاری ایران اسلامی می‌توان به شهبستان گنبد دار مسجد جامع قزوین (۵۰۹ ه‍.ق) اشاره کرد که شامل حاشیه‌ای تزیینی از کاشی‌های کوچک فیروزه‌ای است. کتیبه کاشی مناره این مسجد دامغان را که مربوط به سال ۴۵۰ هجری قمری است را از قدیمی‌ترین نمونه‌های کاربرد کاشی در معماری اسلامی ایران بیان می‌کنند، مکان کتیبه را در بالای مناره دانسته که شامل آیات هجده و نوزده از سوره مبارکه آل عمران است. از قرن چهارم و پنجم هجری برای زیبا سازی و نما سازی ساختمان‌ها، از روش تزیینات آجری دور درج چینی بناها استفاده می‌شده است. از نمونه‌های جالب کاشی‌های یکرنگ اولیه می‌توان کاشی‌های موجود در موزه ایران باستان، مساجد حیدریه، جامع قزوین، مناره مسجد سین، گنبد کبود مراغه، برج های خرقان (۴۶۰-۴۸۶ هجری) را نام برد که با کاشی فیروزه‌ای تزیین شده است. ادامه کاربرد کاشی یکرنگ در بناها منجر به استفاده از رنگهایی دیگر شد و به تدریج در قرون بعد رنگ‌هایی مانند قهوه‌ای، آبی سیر، نیلی، سفید و سیاه همانند کاشی فیروزه‌ای در آرایش بناها در سطوح داخلی و خارجی بنا متداول گشت. از قرن ششم هجری کاشی‌هایی با لعاب‌های فیروزه‌ای و لاجوردی با محبوبیتی روزافزون رو به رو گردیده و به صورت گسترده در کنار آجرهای بدون لعاب به کار گرفته شدند. کاشی‌کاری ادوار اسلامی از زمان سلجوقیان رواج کامل پیدا کرد. سلاطین سلجوقی قرن پنجم و ششم از حامیان بزرگ این صنعت بودند و هنرمندان و صاحبان حرفه را در دربار و مقر حکومت خود در مرو نیشابور و هرات و ری و اصفهان گرد آوردند. ری و نیشابور که از شهرهای آباد و معتبر دوره سلجوقی بود یکی از مراکز مهم صنعت سفال و کاشی گردید. برای تزیین دیوارها و سطوح داخلی بناها از قرن ششم هجری به بعد صنعت کاشی‌سازی بجدی در اینبه و ساختمان‌های مذهبی و

در زمان حکومت ساسانیان، مجدداً کاربرد آجرهای لعاب دار و صنعت موزاییک‌سازی گسترش یافته و صنعتگران و معماران از آن برای آرایش و تزیین بنا استفاده می‌کردند. در عصر ساسانیان هنر و صنعت دوره هخامنشیان مانند سایر رشته‌های هنری ادامه پیدا کرد و ساخت کاشی‌های زمان هخامنشیان با همان شیوه و با لعاب ضخیم تر رایج گردید. نمونه‌های متعددی از این نوع کاشی‌ها که ضخامت لعاب آن‌ها به قطر یک سانتیمتر می‌رسد در کاوش‌های فیروز آباد و بیشاپور به دست آمده است. مخصوصاً پوشش دو ایوان شرقی و غربی بیشاپور از موزاییک به رنگ‌های گوناگون و تزیینات گل و گیاه و نقوشی از اشکال پرندگان و انسان را در بر می‌گیرد. رنگ آمیزی‌های متناسب، ایجاد هماهنگی و رعایت تناسب از ویژگی‌های کاشی‌کاری دوره ساسانی می‌باشد (همان، ۱۲).

شخصی معمول گشت که نمی توان عمارت یا کاخی را بدون آن که کاشی‌های زیبا با رنگ آمیزی عالی و اشکال ممتاز دیوارهای آن را زینت بخشید و شکل ایرانی خاص به آن بدهد بتصور در آورده (خلیلی، ۱۳۵۷، ۵۹).



از دیگر آثار این دوره، «گنبد غفاریه» در مراغه است که در این بنا رنگی که از آن در گنبد سرخ مراغه کم استفاده شده و به فیروزه‌های منحصر است، بسیار مورد استفاده قرار گرفته است. نکته مهم در کاشی‌کاری اواخر این دوره، استفاده از کاشی به اشکال متنوع در ابنیه است که تأثیر تزیینی خود را بیش از همه در پوشاندن سطوح برجای گذاشته است (حاتم، ۱۳۸۸: ۲۰۸). یکی از آثار درخور توجه این دوره، بنای برج مقبره‌های گنبد سبز کرمان است قبه سبز یکی از بناهای تاریخی کرمان است که سابقه آن به دوره حاکمیت قراختاییان در حدود ۷۸۰ سال پیش (تقریباً ۶۵۰ هجری قمری) می‌رسد. یک بنای کاشی‌کاری شده و عنوان قدیمی‌ترین نمونه کاشی‌کاری معرق ایران را به خود اختصاص داده است. گنبد بنا در حدود ۵۰ متر بوده است و با کاشی‌های فیروزه‌ای تزیین شده بود. دلیل نام‌گذاری این بنا به قبه سبز داشتن همین کاشی‌های فیروزه‌ای است (جوادی، ۱۳۷۹، ۱۶).

دوره ایلخانی را می‌توان فعال‌ترین دوره ساخت کاشی تا این زمان در ایران دانست، با اینکه ویرانی حاصل از تهاجم اقوام مغول در اواسط قرن هفتم هجری، تنها مدت کوتاهی بر روند تولید کاشی تأثیر گذاشت و در واقع هیچ نوع کاشی از حدود سالهای ۶۴۲-۶۵۴ ه.ق بر جای نمانده است. پس از این سال‌ها، حکام ایلخانی اقدام به ایجاد بناهای یادبود کرده و به مرمت نمونه‌های پیشین پرداختند. نتیجه چنین اقداماتی، احیای صنعت کاشی‌سازی بود. در دوره مغول نیز هنر کاشی‌سازی مرتبه ارجمندی داشت و نمونه کاشی‌های نفیسی که در عصر مغول ساخته شده در موزه متروپولیتن نیویورک، هرمتاج لنین گراد و موزه ایران باستان تهران دیده می‌شود. کاشان، سلطانیه، نیشابور، سمرقند، ساوه و مشهد از مراکز عمده سفالسازی دوره مغول هستند ولی کار استادان کاشان در عصر مغول هم درخشندگی خاص داشت. در این دوره مانند عصر سلجوقیان کاشی لعاب دار برای تزیین ابنیه و عمارت و مساجد و مقابر بطور قابل ملاحظه‌ای بکار می‌رفت. بعضی از این کاشی‌ها ستاره شکل و بعضی به شکل صلیب و برخی مستطیل شکل است و اثر صنایع چینی در کاشی‌های قرن هفتم مشهود است. کاشی‌های ستاره و صلیب شکلی که در سال ۶۶۵ هجری ساخته شده و دامغان بدست آمده است با اشکال حیوانات و پرندگان و مناظر طبیعی مانند درخت و گیاه تزیین گشته و با جلای طلایی و گاهی به رنگ آبی و فیروزه‌ای نقش مهتری داشته و منزله زمینه کاشی بوده و رنگ‌های سفید و قرمز و طلایی روی آن‌ها نقش می‌شده است. گفته شده است که قسمت مطلای طرح کاشی‌ها با طلای مایع رنگ نشده بلکه ورقه بسیار نازک طلا با قیچی به قطعات کوچک بریده شده و در زمینه کاشی چسبانده می‌شد (دیماندا، ۱۳۶۵، ۱۹۴). از مشخصات خاص کاشی‌سازی در این دوره کاشی معرق یا کاشی نوع موزاییک در ساختمان‌هاست. این صنعت در زمان سلجوقیان عمل می‌شد و نمونه آن در ابنیه قونیه آسیای صغیر که در قرن هفتم هجری وسیله استادکاران ایرانی ساخته شده دیده می‌شود از نمونه‌های اولیه این صنعت در دوره مغول مقبره الجایتو (۷۱۰ هجری) در سلطانیه و ابنیه نظیر و یزد و ورامین است در اصفهان از عصر مغول نمونه‌های عالی کاشی‌کاری معرق در مسجد جامع دیده می‌شود. در این دوران، تکنیک مینایی از بین رفت و گونه دیگری از تزیین سفال که بعدها عنوان لاجوردینه را به خود گرفت، جانشین آن شد. در این تکنیک، قطعات قالب ریزی شده با رنگ‌های سفید، لاجوردی و در موارد نادری فیروزه‌ای، لعاب داده می‌شدند و پس از اضافه شدن رنگ‌های قرمز، سیاه یا قهوه‌ای بر روی لعاب، برای بار دوم در کوره قرار داده می‌شدند. در اوایل دوره ایلخانی، تکنیک زرین فام بر روی لعاب بدون هیچ رنگ افزوده‌ای به کار برده می‌شد، لکن در ربع پایانی قرن هفتم، رنگ‌های لاجوردی و فیروزه‌ای به میزان اندکی مورد استفاده قرار گرفتند. با نزدیک شدن به قرن هشتم هجری، آبی لاجوردی از رواج و محبوبیت بیشتری برخوردار شد و سرانجام تکنیک نقاشی زیر لعاب با استفاده از رنگ‌های آبی لاجوردی و اندک مایه‌ای از رنگ‌های قرمز و سیاه، جایگزین نقاشی زرین فام شد که کاشی‌های تولید شده با چنین تکنیکی معمولاً با نام کاشی‌های سلطان آباد شناخته می‌شوند. این تکنیک تا اواسط قرن هشتم مورد استفاده قرار می‌گرفت و پس از آن منسوخ شد. با رو به زوال نهادن حاکمیت ایلخانیان در اواسط قرن هشتم، عصر طلایی تولید کاشی پایان یافت. کاشی‌های معرق - موزاییکی - تک رنگ و نه چندان نفیس در رنگ‌هایی متفاوت جانشین قاب‌های عظیم زرین فام و کتیبه‌ها شدند (کاشانی، افشار، ۱۳۸۶، ۳۳۸). از شاهکارهای سفال‌سازی عصر مغولی محراب مسجد میدان کاشان است فعلاً در مجموعه اسلامی موزه برلین قرار دارد و در ۶۲۳ هجری آن را ساخته اند. یکی از محراب‌های بسیار نفیس که وسیله یکی از افراد خانواده سفال سازان کاشان ساخته شده و خوشبختانه به مناسبت قرار گرفتن در حرم امام رضا (ع) است در سال ۶۱۲ هجری بوسیله محمد بن ابی طاهر کاشی ساخته شده است.



شکل ۷- مجموعه کاشی‌های زرین فام و یکرنگ
آزبایجان دروه ایلخانی



شکل ۶- محراب زرین فام مسجد کاشان



شکل ۸- دیتیلی از کاشیکاری دوره تیموری در حرم امام
رضا (ع)

در اوایل دوره تیموری، به صورت پراکنده در میان آجرکاری کاشی‌های فیروزه‌ای به کار رفت و برای نماسازی بناها استفاده شد. با گذشت زمان و تغییر و تحولات در لعاب‌های فیروزه‌ای آجرها، کاشی‌کاری رونق گرفت. کاشی‌کاری آن دوران بیشتر از علم هندسه پیروی میکرد و به صورت طرح‌های منظم هندسی شکل می‌گرفت. طرح‌هایی که با استفاده از اشکال هندسی به خلق نقوش مناسب برای ابنیه اسلامی می‌انجامید. استفاده از هنر معقلی‌سازی که اساساً برای تزیینات نما چه در قسمت‌های خارجی و چه در بخش‌های داخلی بناها به کار می‌رود، پس از پیدایش هنرهای معرق و کاشی هفت‌رنگ در زمان تیموریان عمومیت یافته است.

قدیمی‌ترین انواع معقلی تا چندی قبل در بنای مسجد جامع گوهرشاد مشهد که از جمله آثار آن دوره است، وجود داشته و جدیداً بازسازی شده است. دوره صفوی، اوج و شکوفایی این هنر بود. در دوره صفوی شاخه‌های جدیدی از هنر به وجود آمد که هر کدام برای خود رشته هنری تازه‌ای شد. رشته‌های جدیدی از کاشی‌کاری که در زمان صفوی به دست هنرمندان ابداع شد، نقش‌های زیرو رو بود. این ابداعات و خلاقیت‌ها به هنرمندان ایرانی مجال داد تا نقش معقلی را با آجر و کاشی بر پیکره بناها بسازد. رفته رفته معقلی خود به تنهایی به نقش مستقل تبدیل گردید و هنرمندان توانستند آن را به شکل خط کوفی زاویه‌داری به نام خط معقلی تبدیل کرده زینت بخش اماکن متبرکه کنند. پس از آن فن گره‌کشی با نقش‌های هندسی به صورت گسترده پا به عالم هنر گذاشت و سطوح بناها را با کاشی پوشانید، کاشی هفت‌رنگ بود که با گل و بوته تزیین می‌شد. ابتکار هنرمندان کاشیکار، کاشی معرق بود که از فن گره‌کشی و یا اسلیمی‌ختایی برخوردار بود و می‌توانست با تراشیدن انواع گل و بوته‌ها، و چند ضلعی هندسی و پهلوی هم قرار دادن آن‌ها نقش آفرینی کنند (ماهرالنقش ۱۳۸۶: ۱۳۸۶). هنر کاشی‌کار در دوره صفوی گسترش یافت و آثار زیادی در پایتخت‌های خود و نیز سایر شهرهای این سرزمین خلق کرد، اما در زمان شاه عباس اول که پایتخت این دولت، شهر اصفهان بود به هنر و معماری توجه بیشتری شد. به دلیل ساخت شهر جدید در کنار بافت شهر قدیمی و گسترش مقر حکومتی، بناهای زیادی احداث گردید که در اکثر بناها از کاشی‌کاری برای تزیین ابنیه استفاده شد. خصوصاً بناهای عظیم دو مسجد که در میدان نقش جهان واقع گردید. میدان نقش جهان و بناهای احداث گردیده در آن، و حتی ابنیه‌ای که با واصل بیشتر در اطراف مقر حکومتی ساخته شد. هنر و معماری این دوره را بازگو میکند. نشان دهنده ذوق هنرمندان و تکامل هنر اسلامی و تزیینات کاشی‌کاری است. هنری که حاصل سال‌ها زحمت، تجربه و مهارت هنرمندان آن روزگار بود. هنر کاشی‌کاری در عصر صفوی رشد میکند، به اوج می‌رسد، و بعد می‌ایستد چیزی مثل پایان راه و شاید هم بشود گفت به مرحله‌ای از زیبایی و تجربه می‌رسد که دیگر جایی برای تجربه تازه ندارد، چه در نقش و چه در رنگ (هدایت، ۱۳۶۳، ۲۹۵). در دوران صفویه به تدریج کاشی‌کاری به عنوان تنها عنصر تزیینی جهت فضاهای درونی و برونی بناها به کار گرفته شد و گنبد، ایوان‌ها، شبستان‌ها و دیوارهای جانبی و محراب‌ها با کاشی آراسته گشتند و در این زمان افزون بر رنگ‌های رایج در دوران پیشین، رنگ قهوه‌ای نیز وارد کاشی‌کاری شد و کاربرد رنگ زرد نیز در رنگ‌ها بیشتر گردید. در کاشی هفت‌رنگ، بدون محدودیت، همه‌ی رنگ‌ها به طور هم‌زمان بر کاشی نقش می‌بندد. نقوش استفاده در کاشی‌ها معمولاً الهام گرفته از عناصر طبیعی است که به صورت ساده شده و تک رنگ در آمده و به صورت نقش‌های هندسی گیاه‌های ظاهر شده است. که با توجه به شیوه اجرایی آن در رنگ و ابعاد متفاوت دیده می‌شود. نقوش به کار رفته در کاشی‌کاری، که اکثراً نقوش گیاهی را شامل می‌شوند، از اسلیمی، ختایی در هم تنیده (زیرو رو)، پیچک افشان،

گل‌های دهن اژدر، گل‌های شاه عباسی، گل پنج پر، برگ، غنچه و مدل‌ها مختلف و با تفوع بالا استفاده می‌شده است (زمرشیدی، ۱۳۹۱، ۶۹).



شکل ۱۱- مسجد شیخ لطف الله اصفهان (نمونه‌ای از کاشیکاری دوره صفویه)



شکل ۱۰- کاشی خشتی با لعاب رنگارنگ، دوره صفوی، با نقوش انسان و گیاهی



شکل ۹- نمونه‌ای از کاشی نگاره، حمام شاه علی سرپینه

پس از دوران صفویه، افشاریه و زندیه بر ایران حکومت کردند که هیچ یک تحولی در عرصه هنر کاشی‌کاری به وجود نیاوردند. با روی کار آمدن حاکمان قاجار و تغییر پایتخت به تهران، تحول بسیاری در صنعت کاشی ایران رخ داد. هنرمندان دوره قاجار صاحب صنعتی تکامل یافته در صنعت کاشی شدند. پادشاهان قاجار از کاشی‌کاری در ساختمان‌های دینی و دنیوی بسیاری استفاده کردند و مضامین تصویری بسیاری را به این هنر وارد نمودند. در دوران قاجار رنگ‌هایی چون قرمز، صورتی و زرد تیره بر رنگ‌های پیشین افزوده شدند و هنر کاشی‌کاری نیز دچار افول در نوع و کیفیت کاشی‌سازی و کاشی‌کاری می‌گردید. هنرمندان نیز صلاح را در آن دیدند تا کارهای تزئینی ساده تر و آسان تر گردد و چنین شد که رفته رفته طرح‌های هندسی، که از پایان دوره صفویه آغاز گشته بودند، در کاشی‌کاری‌ها بیشتر خودنمایی کردند و در ضمن کاشی‌کاری، جملات و واژه‌های مذهبی نیز به خط بنایی که به طرح‌های هندسی نزدیک است، نمایان شدند. دیگر کاشی‌کاری یک هنر فاخر مناسب فضاهای معنوی و عرفانی نبود و از این هنر در خیابان‌کشی‌ها، ساخت ایوان‌ها و سرکنسول‌ها در معابر و خیابان‌ها استفاده شده است. امروزه می‌توانید نمونه‌های بسیاری از کاربرد کاشی به خصوص با تصاویر انسانی را در کاشی‌کاری‌های باقی مانده عصر قاجار در تهران مشاهده نمایید؛ دوره قاجار را می‌توان عصر نوآوری و تحولات در زمینه هنر و معماری دانست. در این دوره اتفاقات اساسی رخ داد که نقش موثر و ویژه‌ای بر محتوای تزئینات بناهای دوره قاجار داشت. آشنایی و آگاهی از علوم و فنون جدید که منجر به ورود ایران به مدرنیته پس از شکست غم‌انگیز ایران از سپاه روس و امضای دو معاهده تحقیرآمیز گلستان و ترکمنچای شد. ارتباطات و مراودات فزاینده با غرب که موجب آشنایی و تأثیرپذیری هنر ایران از مغرب زمین گشت. تأثیرپذیری مستقیم هنر و معماری ایران از تحولات فرهنگی و دانش‌های جدیدی که در ایران شکل گرفت و از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به اختراع و ورود فن عکاسی، کاربرد فراوان تمپر در مراسلات پستی و کارت پستال‌های اروپایی به ایران اشاره نمود. این تحولات سبب الگوبرداری و تأثیرپذیری تزئینات مسجد - مدرسه‌های دوره قاجار از عکس‌ها، تمبرها و کارت پستال‌های آن دوران گشت؛ به طوری که تصاویری از آثار تاریخی، مناظر طبیعی و معماری، پرندگان، انگور، تاج، انسان و فرشته بال دار، انسان با لباس اروپایی، طرح گل و گلدان و کاسه بشقاب سازی همراه با دسته گل‌های مختلف به ویژه گل سرخ و زنبق در نقوش و تزئینات کاشی‌کاری و حجاری در این بناها به کار رفته است (بمیان و دیگران، ۱۳۹۰، ۴۵).



شکل ۱۳- کاشی هفت‌رنگ، ارگ سمنان، دوره قاجار



شکل ۱۲- کاشی هفت‌رنگ، نمونه‌ای از کاشیکاری دوره قاجار

غیر از مواردی تاثیر گذار بر نقش‌های کاشی‌های این مجموعه که در سطرهای بالا به آن‌ها اشاره شد، این نمونه‌های موجود در بناها، عمارت‌ها و مسجدهای مهم به جای مانده از دوره ی قبل از قاجار، در دوره ی ناصری تاثیر گرفته و تجربه کسب کرده اند نیز می تواند از عوامل تولید چنین کاشی‌هایی با چنین نقش‌هایی باشد. مشخص است که هنرمندان آن زمان در یک دوره تجربه و مرحله کشاکش بین شیوه‌های جدید هنری متأثر از غرب و شیوه‌های سنتی قرار داشته اند که این دو کفه ی ترازو در نقش‌های کاشی‌های این مجموعه، گاهی به سمت ویژگی‌های غربی و گاهی به سمت ویژگی‌های سنتی در نوسان بوده است.

موارد تاثیر گذار بر نقش‌های کاشی این مجموعه را می توان این گونه برشمرد:

- ۱- تاثیر گرفتن و الگوبرداری از آثار و تصویب‌های وارداتی غرب.
- ۲- تقلید از شیوه ی کار نقاشان ایران و آموزش دیده که براساس اصول نقاشی غرب کار می‌کردند.
- ۳- گرایش به مضمون‌های ادبی.
- ۴- تاثیر صنعت چاپ سنگی؛ با روی کار آمدن حکومت پهلوی کاشی‌کاری ایران به سوی صنعتی شدن قدم برداشت و به حیات خود در شکلی متفاوت ادامه داد.

۵-۳- صنعتگران و تکنیک‌ها در کاشی‌کاری ایرانی - اسلامی

همانند بسیاری از هنرهای اسلامی، فقط در دوره‌هایی خاص، کاشیکاران آثار خود را امضا می‌کردند. از استثنای بزرگ خانواده‌های معتبر کاشیکاران کاشانی در ایران مرکزی، "خانندان ابوطاهر" است که بین سده‌های دوازدهم/چهاردهم/ششم و هشتم فعالیت داشته و به دلیل آثار بی شمار امضا شده به ویژه کاشی‌های مساجد مقبره‌ها که در سرتاسر ایران موجود بوده، شهرت یافته است. نمونه‌ای دیگر از سفالگران ایرانی سده نوزدهم/سیزدهم "علی محمد اصفهانی" است که خاطر او "سر رابرت مرد چ اسمیت" کتابی تالیف کرد که حاوی مقالاتی درباره ی تولیدات سفالی بود. گروه دیگری از کاشی‌ها تنها نام سفالگران را نشان داده، اما مطلب بیشتری درباره ی صنعتگران به دست نمی‌دهد. از اواخر سده چهاردهم تا شانزدهم/هشتم تا دهم کاشی‌های بی شماری به وسیله صنعتگرانی امضا شده که با شهر "تبریز" در شمال غربی ایران مرتبط بوده اند؛ در مکان‌هایی که امضاها پیدا می‌شدند اغلب کلمه عمل جلوتر آمده است این امر می‌تواند به این دلیل باشد که کسانی که این کاشی‌ها را ساخته، همان کسانی نبوده که آنها را تزئین می‌کرده‌اند. در مواردی تاریخ نقش بسته روی کاشی‌ها، عددی یا حروفی بوده است. و در کاشی‌های ستاره‌ای اواخر سده سیزدهم/هفتم متعلق به "کاخ تخت سلیمان" ترکیبی از هر دو صورت تاریخ استفاده شده است. تخمین اندازه کارگاه‌های سفالگری یا تعیین نحوه سازماندهی آنها دشوار شده است. مطالعه یک کارگاه‌های سنتی در "میبد یزد" از مناطق مرکزی ایران، که در دهه ۱۳۸۰/۱۹۶۰ کشف گردید نظامی را در عرصه سفالگری آشکار کرد که ممکن است دقیقاً یادآور کارگاه‌های قرون وسطی باشد. اما مدیریت در این کارگاه، از سلسله مراتب دقیق و مجزا برخوردار بوده که در رأس آن استاد یا صنعتگران ارشد قرار داشته که از رموز راز هنری‌اش هوشیارانه محافظت می‌کرده است. تعدادی شاگرد که اغلب از اعضای خانواده اش بوده، زیر نظر او کار می‌کردند. در کارگاه میبد پیشه‌ها کاملاً مشخص بوده، زیرا فعالیت‌ها در زمان‌های مختلف سال انجام می‌شده است: در بهار و تابستان سفالگرها در خارج از کارگاه، بر روی بام نقاشی‌های گل رسی، لعاب‌ها و تزئینات انجام می‌داده، در حالی که زمستان به فعالیت به داخل کارگاه‌ها سپری می‌کردند. کوره‌هایی در جهان اسلام مورد استفاده قرار می‌گرفتند، مجهز به کوران، رو به بالا و با ساختاری گرد یا بیضوی بود که از دو اتاق تشکیل می‌شدند. اتاق پایین از آتشدان تشکیل می‌یافت که حرارت جریان یافته در آن از طریق سوراخ‌های سقف مشبک اش به اتاق بالایی که در آن سفال‌های خام قرار داشتند راه می‌یافت و ضمن پختن تدریجی آن‌ها، از سوراخ‌های مختلف سقف گنبدی آن اتاق به بیرون متصاعد می‌شد. کوره‌هایی با ردیف‌هایی از میخ‌های سفالی با طول بین ۶۰ تا ۷۰ سانتیمتر در بعضی مکان‌ها از جمله سیرف در خلیج فارس و کاخ ایلخانی در تخت سلیمان از زیر خاک به دست آمده است (ماهر النقش، ۱۳۸۳، ۴۵).

۶- مقایسه تطبیقی کاشی‌کاری ایرانی در دوران پیشااسلام و دوران اسلامی

ایرانیان در دوره‌های قبل از اسلام برای زیبایی و تزئین ابنیه با مصالح ساختمانی نقوش رنگارنگی روی بناها پدید می‌آوردند. بنا به آنچه که در افسانه‌ها می‌گویند، دیوارهای شهر عظیم و پرشکوه تیسفون پایتخت ساسانیان با ریزه سنگ‌های قیمتی به شکل موزاییک تزئین شده بود (Britanica، ۱۹۶۱، ۵۸۴). هنر کاشیکاری به نوعی تداوم و تکامل هنر سفالگری و دارای قرابت خاصی با آن و همچنین با تکنیک ساخت و پخت آجر است. در ایران اولین مدارک از استفاده کاشی مربوط به شوش و معبد چغازنبیل است. این شواهد نشان می‌دهد که در نیمه دوم هزاره دوم ق.م پیشرفت عمده‌ای در ساخت آجرهای لعابدار و تزئین بنا با آن به وجود آمده بود. کاخ‌های تخت جمشید و شوش در زمان هخامنشیان نمونه بارز هنر کاشی‌کاری و آجرهای لعابدار است. از تزئینات کاشی هم چنین برای آرایش کتیبه‌ها نیز استفاده شده است که رنگ متن اصلی کاشی‌های دوره ی هخامنشیان، اغلب زرد، سبز و

قهوه‌ای می باشد و لعاب روی آجرها از گچ و خاک پخته تشکیل شده است. تزیینات منقوش روی دیواره‌های دوره‌های قبل از اسلام را شاید بتوان معادل کاشی‌های رنگارنگ دوره‌های بعد از اسلام به حساب آورد اگرچه این هنر از دوران باستان در معماری ایران رواج داشت و نمونه‌هایی از آن در بناهایی مانند کاخ آپادانای شوش به دست آمده است اما استفاده گسترده از کاشی در بناهای ایرانی به دوران پس از اسلام بازمی‌گردد. پس از ورود اسلام به ایران تحولات زیادی در این هنر به وجود آمد، و هنرمندان سبک‌های متنوع اجرایی خود را مطابق با اصول ابنیه اسلامی پیش گرفتند. هنرمندان از آجرکاری به سمت کاشی مایل شدند هنر کاشی‌کاری در دوره اسلامی به دو منظور آرایش و استحکام بخشی به بنا، کاربرد ویژه یافت. شروع به کارگیری کاشی در بناهای دوره اسلامی تاریخ مشخصی ندارد. اما قدر مسلم، در برخی از کاوش‌ها در محوطه‌ها و شهرهای اسلامی حاکی از کاربرد آن در دهه‌های پایانی قرن چهارم هجری است. در اوایل روی کار آمدن کاشی استفاده از آن در بناها محدود بوده است و تنها به عنوان یک عامل تزیینی در برخی از بخش‌ها استفاده می‌شد. با گسترش دین اسلام در شرق، شیوه معماری در این مناطق خصوصاً در بخش تزیینات تغییر نمود. اسلامیون، آن دسته از آثار هنری که از آداب و رسوم اسلامی خارج بودند و حاوی نماد انسانی و حیوانی بودند را تخریب کردند. در نظر آنان هنر می‌بایست در خدمت علم و دانش باشد نه پرستش. در عهد اسلامی هنرهای تزیینی و صورت‌گری فقط از جهت صحنه‌های یادگاری و حماسی باقی ماندند. نقاشی مشجر خطوط هندسی و نوشته‌های کوفی مزین و آمیخته با گل و برگ و غیره روی بناها یقیناً از سده سوم هجری به بعد رواج یافته‌اند. پس از گسترش اسلام، به مرور هنر کاشی‌کاری یکی از مهمترین عوامل تزیین و پوشش نمای بناهای گوناگون به ویژه بناهای مذهبی شد. هنرمندان همواره به دنبال خلق طرح و نقش نو برای تزیینات این بناها بوده‌اند. تزیینات مساجد و مقابر شاید مهم ترین دلیل پیشرفت صنعت کاشی‌کاری در ایران بوده است در نتیجه کاشی به عنوان یک عامل تزیینی جدید که می‌توانست مفاهیم عرفانی را در فضا ایجاد نماید پیشرفت چشمگیری داشت. نقاشی روی کاشی یا سفال به سبک‌های گوناگون ارائه شده و با روح و سنن ایرانی پیوند و هماهنگی پیدا کرد. کاشی در تزیینات معماری سده‌های نخستین دوران اسلامی، با رنگ فیروزه‌ای و لاجوردی رایج شد که به صورت گسترده در کنار آجرهای بدون لعاب به کار می‌رفت. در این دوران، کاشی‌کاری ابتدا برای آراستن قسمت‌های بالایی مناره‌ها، برجسته نمودن (نشان دادن) جملات مذهبی و آسان کردن بازخوانی آن‌ها به کار می‌رفت. ولی به مرور جای خود را در تزیینات بناها باز کرد. هنرمندان ایرانی پس از اسلام نیز با وجود تأثیرات دین اسلام به صورت رفته رفته شیوه‌های هنر ایران باستان را تغییر داده و به انواع تازه از طرح و نقش رسیدند اما با نگاهی دقیق تر می‌بینیم که از ترکیب کاشی‌های با رنگ‌های مختلف به شیوه موزاییک کاری دوران باستان، نوع کاشی «معرق» را به وجود آوردند و خشت‌های کاشی‌های ساده و یک‌رنگ دوره ی قبل از اسلام را به رنگ‌های متنوع آمیخته و نوع کاشی «هفت‌رنگ» را ساختند. همچنین از ترکیب کاشی‌های ساده با تلفیق آجر و گچ، نوع کاشی‌های «معقلی» را پدید آوردند. جالب آن است که بدانید کاشی مشبک در برخی از کتیبه‌های تاریخی هم دیده شده است. برخی از قطعات کاشی به جا مانده از هزاران سال پیش نشان می‌دهند که این هنر، قدمتی دیرینه دارد. کاشی‌کاری‌هایی که مربوط به دوران سلجوقیان می باشد یا آثار کاشی مربوط به دوره ایلخانیان، این ادعا را ثابت می‌کنند.



شکل ۱۵- نمونه شاخصی از کاشیکاری بعد از اسلام (کاشی هفت‌رنگ دوره قاجار)



شکل ۱۴- نمونه شاخصی از کاشیکاری قبل از اسلام (کاشی قلاچی بوکان)

جدول ۲- ویژگی‌های کاشی‌کاری قبل از اسلام در ایران

دوره تاریخی	طرح، نقش، رنگ، مضمون و عملکردهای زیباشناسانه و تکنیکی
تمدن‌های کهن (ایلام، ماد)	کاشی‌های زمخت و با استقامت کم، خام، رنگ شده با کنده کاری ظریف، مصالح کاشی‌ها از کف رودخانه‌ها، در آفتاب خشک می‌شدند، گل‌میخ‌های لعابدار (کاشی دیواری) چهارگوشی به رنگ‌های سبز و زرد. کاشی‌هایی با نقوش نیلوفرهای آبی و مشبک و نقوش نخل خرما، آجرهای لعابدار و منقوش عصر آهن.
هخامنشی	ترکیب آجرهای لعابدار و نقوش برجسته، رنگ‌های آبی، لاجوردی، سفید، سبز، سیاه، سرخ. مصالح کاشی آهک و ماسه با روکش لعابی بوده است. نقش حیوانات خیالی مانند «سیمرغ» و یا «گریفن» دارای شاخ گاو، سر و پای شیر و چنگال پرندگان هستند نقش گارد جاویدان و حیوانات افسانه‌ای است. نمایش دو دنیای مادی و معنوی و قدرت آسمانی.
اشکانی	استفاده از لعاب یک رنگ تحت تأثیر هنر چین، به تدریج استفاده از لعاب‌هایی به رنگ‌های سبز روشن و آبی فیروزه‌ای رونق پیدا کرد، هنرمندان استفاده چندانی از لعاب برای پوشش خشت و آجر نکرده و نقاشی دیواری را برای تزئین بناها ترجیح داده اند، طرح‌های تزئینی این دوره از نقش‌های گل و گیاه، نخل‌های کوچک، برگ‌های شبیه گل لوتوس و تزئینات انسانی و حیوانی است، شباهت زیادی با کاشیکاری هخامنشیان دیده می‌شود.
ساسانی	گسترش کاربرد آجرهای لعاب دار و صنعت موزائیک سازی، ساخت کاشی‌های زمان هخامنشیان با همان شیوه و با لعاب ضخیم تر ضخامت لعاب کاشی به قطر یک سانتیمتر می‌رسد. موزائیک به رنگ‌های گوناگون و تزئینات گل و گیاه و نقوشی از اشکال پرندگان و انسان، رنگ آمیزی‌های متناسب، ایجاد هماهنگی و رعایت تناسب.

جدول ۳- ویژگی‌های کاشی‌کاری بعد از اسلام در ایران

دوره تاریخی	طرح، نقش، رنگ، مضمون و عملکردهای زیباشناسانه و تکنیکی
دوران صدر اسلام	قطعه آجر تراش‌دار، دارای لعاب فیروزه‌ای، کاشی‌های کوچک، کاشی‌های یکرنگ، تزئینات آجری دور درج چینی بناها، کاشی‌های کتیبه‌ای با نوشته کوفی شامل سوره‌های قرآن.
دوران سلجوقی	دوران رشد و رواج زیاد کاشی‌کاری، کاشی‌هایی با لعاب‌های فیروزه‌ای و لاجوردی با محبوبیتی روزافزون رو به رو گردیده و به صورت گسترده در کنار آجرهای بدون لعاب، رنگ‌هایی مانند قهوه ای، آبی سیر، نیلی، سفید و سیاه همانند کاشی فیروزه ایی در آرایش بناها در سطوح داخلی و خارجی بنا.
دوران ایلخانی	فعال ترین دوران کاشی سازی، کاشی لعاب دار برای تزئین ابنیه و عمارت و مساجد و مقابر، کاشی معرق، قاب‌های عظیم زرین فام و کتیبه‌ها، کاشی‌ها ستاره شکل و بعضی به شکل صلیب و برخی مستطیل شکل، اشکال حیوانات و پرندگان و مناظر طبیعی مانند درخت و گیاه تزئین گشته، رنگ‌های سفید، لاجوردی و در موارد نادری فیروزه ای، رنگ‌های قرمز، سیاه یا قهوه ای، طلایی.
دوران تیموری	به صورت پراکنده در میان آجرکاری کاشی‌های فیروزه‌ای به کار رفت و برای ناماسازی بناها استفاده شد. با گذشت زمان و تغییر و تحولات در لعاب‌های فیروزه‌ای آجرها، کاشی‌کاری رونق گرفت. کاشی‌کاری آن دوران بیشتر از علم هندسه پیروی می‌کرد و به صورت طرح‌های منظم هندسی شکل می‌گرفت استفاده از هنر معقلی سازی.
دوران صفویه	اوج و شکوفایی کاشی‌کاری، نقش‌های زیرو رو، نقش معلقی را با آجر و کاشی، خط معلقی در کاشی‌کاری، نقوش مورد استفاده در کاشی‌ها معمولاً الهام گرفته از عناصر طبیعی است که به صورت ساده شده و تک رنگ در آمده و به صورت نقش‌های هندسی گیاه‌ها ظاهر شده است که با توجه به شیوه اجرایی آن در رنگ و ابعاد متفاوت دیده می‌شود. نقوش به کار رفته در کاشی‌کاری که اکثراً نقوش گیاهی را شامل می‌شوند از اسلیمی، ختایی در هم تنیده (زیرو رو)، پیچک افشان، گل‌های دهن اژدر، گل‌های شاه عباسی، گل پنج پر، برگ، غنچه و مدل‌ها ی مختلف و با تنوع بالا، فن گره کنشی با نقش‌های هندسی، افزون بر رنگ‌های رایج در دوران پیشین، رنگ قهوه‌ای نیز وارد کاشی‌کاری شد و کاربرد رنگ زرد نیز در رنگ‌ها بیشتر گردید. در کاشی هفت‌رنگ، بدون محدودیت، همه‌ی رنگ‌ها به طور هم زمان بر کاشی نقش می‌بندد که شامل: سیاه، سفید، لاجوردی، فیروزه‌ای، قرمز، زرد و خنایی هستند.
دوران افشار، زند و قاجار	عدم تحول در عرصه هنر کاشی‌کاری در دوران افشاریه و زندیه، دوره قاجار صاحب صنعتی تکامل یافته در صنعت کاشی، افزوده شدن رنگ‌هایی چون قرمز، صورتی و زرد تیره بر رنگ‌های پیشین، افول در نوع و کیفیت، دینی و دنیوی، استفاده در خیابان کشتی‌ها، ساخت ایوان‌ها و سرکنسول‌ها در معابر و خیابان‌ها، تصاویر انسانی، مناظر طبیعی و معماری، پرندگان، انگور، تاج، انسان و فرشته بال دار، انسان با لباس اروپایی، طرح گل و گلدان و کاسه بشقاب سازی همراه با دسته گل‌های مختلف به ویژه گل سرخ و زنبق در نقوش و تزئینات کاشی‌کاری و حجاری.
دوران معاصر	کاشی‌کاری صنعتی در شکلی متفاوت .

جدول ۴- وجوه اشتراک و وجوه افتراق کاشی کاری قبل و بعد از اسلام در ایران

وجوه اشتراک	وجوه افتراق
<ul style="list-style-type: none"> - استفاده از رنگ آبی لاجوردی در هر دو دوره. - تزیینات منقوش روی دیواره‌های دوره‌های قبل از اسلام را شاید بتوان معادل کاشی‌های رنگارنگ دوره‌های بعد از اسلام به حساب آورد. - در صدر اسلام و اوایل روی کار آمدن کاشی استفاده از آن در بناها محدود بوده است و مانند دوران قبل از اسلام تنها به عنوان یک عامل تزیینی در برخی از بخش‌ها استفاده می‌شد. - از ترکیب کاشی‌های با رنگ‌های مختلف به شیوه موزاییک کاری دوران باستان، نوع کاشی «معرق» را به وجود آمد. - خشت‌های کاشی‌های ساده و یکرنگ دوره ی قبل از اسلام را به رنگ‌های متنوع آمیخته و نوع کاشی «هفت‌رنگ» را ساختند. - ترکیب کاشی‌های ساده با تلفیق آجر و گچ پیش از اسلام، شبیه به کاشی‌های «معقلی». - کاشی مشبک در برخی از کتیبه‌های تاریخی دوران باستان دیده شده است. - قبل از اسلام نیز نمونه‌هایی از کاشی کاری وجود دارد که مفاهیم مقدس و اشاره به اهورا مزدا دارد. - بعد از اسلام نیز نقوش جانوری اغلب در کاشی زرین فام که خاص بناهای غیر مذهبی بود و نقوش انسانی به ویژه در دوران قاجار کار شده است. 	<ul style="list-style-type: none"> - قبل از اسلام رنگ متن اصلی کاشی‌ها اغلب زرد، سبز و قهوه‌ای می باشد و لعاب روی آجرها از گچ و خاک پخته تشکیل شده است، بعد از اسلام استفاده از تونالیت‌های آبی و رنگ اصلی لاجوردی و فیروزه‌ای و همچنین از آجرهای بدون لعاب هم استفاده شده. - قبل از اسلام کاشیکاری به صورت موزاییک کاری است و نقوش حیوانی و انسانی، بعد از اسلام سبک‌های بسیار متنوع در کاشیکاری دیده می‌شود و همچنین استفاده از خط و نوشتار به صورت نقاشی مشجر نقوش و خطوط هندسی و نوشته‌های کوفی مزین و آمیخته با گل و برگ و نقوش گیاهی، ساده سازی شده و نمادین. - قبل از اسلام کاشیکاری اغلب به صورت عنصری زینتی است. بعد از اسلام به دو منظور آرایش و استحکام - قبل از اسلام کاشیکاری غالباً مفاهیم دنیوی و جنبه تجملی و عظمت‌گرایی داشته بعد از اسلام بیشتر مفاهیم عرفانی و معنوی را در فضا القا می‌کرده است.

۷- نتیجه‌گیری

به لحاظ لغوی واژه کاشی از نام شهر کاشان اقتباس شده که از اوایل دوران اسلامی به عنوان مرکز صنعت سفال سازی مشهور بود. کشور ایران با تاریخ و تمدن کهن در هنر و صنعت و نیز برخورداری از ذخایر قابل توجه از مواد اولیه از دیر باز به عنوان خاستگاه صنعت کاشی و کاشی‌سازی مطرح بوده است. کاشی از لحاظ تاریخی پنجمین شیوه اساسی و بنیادی در تزیینات ساختمان مذهبی و غیرمذهبی می‌باشد. استفاده از این شیوه در معماری اسلامی بسیار رایج است. با ظهور اسلام و پیدایش هنر و معماری، تزیینات نیز شروع به تحول و هماهنگی با این هنر نوظهور کرد. کاشی کاری هنری است که با ورود دین اسلام به سرزمین پارسی‌گویان و ایجاد سبک معماری ایرانی - اسلامی به اوج خود رسید. کاشی کاری مانند سایر هنرها در ایران قدمتی طولانی دارد، پس از ورود اسلام به ایران تحولات زیادی در این هنر به وجود آمد، و هنرمندان سبک‌های متنوع اجرایی خود را مطابق با اصول ابنیه اسلامی پیش گرفتند. هنرمندان از آجرکاری به سمت کاشی مایل شدند. از انواع مختلف کاشی کاری در هنر اسلامی می توان به: ساده سازی یا کاشی یک‌رنگ، خفته راسته، کاشی مشبک، گره‌سازی، کاشی هشت‌پر ستاره‌ای و چلیپا، معرق سازی یا کاشی معرق، تابلوسازی، توام سازی، کاشی معقلی، کاشی زرین فام، کاشی خشتی (هفت‌رنگ) اشاره کرد.

مراجع

۱. امامی، صابر، (۱۳۸۱). «نماد و تمایل، تفاوت‌ها و شباهت‌ها»، کتاب ماه هنر.
۲. بمانیان، محمدرضا، مومنی، کوروش، سلطان زاده، حسین (۱۳۹۰). «بررسی تطبیقی نقوش کاشی کاری دو مسجد - مدرسه چهارباغ و سید اصفهان»، مطالعات تطبیقی هنر، پاییز و زمستان، دوره ۱، شماره ۲؛ از صفحه ۱ تا صفحه ۱۶.
۳. پرادا، ایدت (۱۳۵۸). «هنر ایران باستان»، ترجمه یوسف مجیدزاده، تهران، دانشگاه تهران.

۴. جهاد دانشگاهی (۱۳۹۰). «طراحی کاشی»، تهران: موسسه کار و تامین اجتماعی.
۵. حاتم، غلامعلی. (۱۳۸۸). «هنر و تمدن اسلامی». تهران: انتشارات پیام نور.
۶. شهره، جوادی (۱۳۷۹). «قبه سبز قدیمیترین نمونه کاشیکاری معرق در ایران»، نشریه هنرهای زیبا، تابستان، شماره ۷.
۷. دیماندر. س. م. (۱۳۶۵). «راهنمای صنایع اسلامی»، ترجمه عبدالله فریار. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۸. زمرشیدی، حسین (۱۳۸۴). «کاشیکاری ایران: خط معقلی (جلد ۳)»، وزارت مسکن و شهرسازی سازمان عمران و بهسازی شهری.
۹. عبدالله، افشار، ایرج (۱۳۸۶). «عرایس الجواهر و نفایس لاطایب تالیف ابوالقاسم کاشانی»، ناشر: المعی.
۱۰. کوبان سیما (۱۳۴۵). «نگاهی به نقوش سفالی ایران، ترجمه و تخلص از کتاب سیلک پرفسور گیرشمن»، مجله هنر و مردم.
۱۱. کیانی، محمد یوسف (۱۳۶۶). «معماری ایران در دوره اسلامی»، تهران، سمت.
۱۲. کیانی، فاطمه. (۱۳۹۰). «در آمدی بر هنر کاشیکاری ایران». کتاب ماه هنر، شماره ۱۵۳.
۱۳. ابن بطوطه (۱۳۹۹). «سفرنامه ابن بطوطه (۲جلدی)»، مترجم: محمد علی موحد، انتشارات: کارنامه.
۱۴. ماهرالنقش، محمود (۱۳۹۰). «کاشی و کاربرد آن»، تهران: انتشارات سمت.
۱۵. ماهرالنقش، محمود (۱۳۸۳). «نگاهی به کاشیکاری ایرانی»، تهران: انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.
۱۶. ماهرالنقش، محمود و عدل، کامران (۱۳۹۰). «طرح و اجرای نقش در کاشیکاری ایران در دوره اسلامی»، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اداره کل موزه‌ها، موزه رضا عباسی.
۱۷. مقدم پور، ناصر (۱۳۹۶). «زیبایی شناسی کاشی»، دانشگاه پیام نور.
۱۸. معین محمد (۱۳۸۱). «فرهنگ فارسی یک جلدی»، انتشارات معین، چاپ اول، تهران، ایران.
۱۹. هدایت، هادی (۱۳۶۳). «هنر کاشیکاری تبلوری از ذوق و ارادت و عشق، فصلنامه هنر و معماری»، تابستان و پاییز، شماره ۶

20. Encyclopædia Britannica vol ۱۷, ۱۹۶۱